

اعجاز قرآن

درس بیست و دوم

استاد : حجت الاسلام و المسلمین صادق نیا

آموزشیار : سرکار خانم حیدری

یکی از مهمترین جنبه های اعجاز بیانی قرآن، نظم آهنگ و اثرگذاری آن است که در هنگام تلاوت قرآن، آهنگ درونی آن کاملاً حس می شود. سه جزء اصلی نظم آهنگ عبارتند از «سبک خاص قرآن»، «نظم» و «آهنگ» که با یکدیگر این مفهوم را به وجود آورده اند. آیت الله معرفت، این وجه را چهارمین وجه اعجاز بیانی معرفی می کند. در این درس نخست به کاربرد اصطلاح نظم آهنگ، سپس تعریف عبدالله دراز و سید قطب از آن و بررسی نظم آهنگ در سوره نجم می پردازیم و دو دلیل آیت الله معرفت برای وجود نظم آهنگ در قرآن را بیان می کنیم و سپس به نقش فواصل آیات در نظم آهنگ قرآن و رابطه نظم آهنگ و تلاوت قرآن خواهیم پرداخت .

اصطلاح و کاربرد نظم آهنگ در آثار نویسندگان :

مقصود از «نظم آهنگ»، آهنگ برآمده از نظم حروف، کلمات، عبارات و آیات قرآن کریم است که در دوران معاصر، برخی پژوهشگران آن را از نخستین و اصیل ترین وجوه اعجاز قرآن کریم برشمرده اند. اصطلاح «نظم آهنگ» را برای نخستین بار در آثار آیت الله معرفت می بینیم؛^۱ اما پیش از وی طالقانی، اصطلاح اعجاز در «آهنگ» را در همین معنا به کار برده است. این اصطلاح معادل «اعجاز النظم الموسیقی» و «الاعجاز فی نغم القرآن» است. این جنبه از اعجاز قرآن ریشه در آرای دانشمندان کهن دارد؛ اما تأکید بیشتر بر آن و کاوش در زوایای گوناگون آهنگ های برخاسته از آیات قرآن، به دوران معاصر مربوط می شود. گویا خطابی نیز در طرح نظریه اعجاز از ناحیه تأثیر در جان و دل مخاطب، به همین جنبه از اعجاز قرآن نظر داشته است.^۲

تعریف عبدالله درّاز :

درّاز، نظم آهنگ قرآن را چنین توصیف می کند: وقتی آدمی می بیند که از این مخرج های سخت جوش، چنین گوهرهای تابناکی با این ترتیب حروف و با چنان آذین بندی زیبایی، بیرون آمده، التذادی بی حساب می برد و وجدی بی انتها به او دست می دهد. در این حروف، گویی یکی می نوازد، دیگری طنین انداز است، سومی نجواگر است و چهارمی بانگ برآورنده، پنجمی نفس را می لغزاند و ششمی راه نفس را می بندد و شما زیبایی آهنگ را در دست رس خود می یابید؛ و مجموعه ای گوناگون و همساز، (نه تکرار مکررات و نه سخنان یاوه و سست و نه تنافری در حروف و آواها) در قرآن می بینید. بدین سان کلام قرآن نه به دشواری سخن بدویان و نه به نرمی کلام شهریان است؛ بلکه آمیزه ای است از هردو، هم صلابت اولی را دارد و هم لطافت دومی را؛ گویی شیره جان دو زبان و نتیجه آمیختگی دو گویش است.

^۱. آیت الله معرفت این اصطلاح را در علوم قرآنی فارسی خود آورده است.

^۲. دائرة المعارف قرآن، مدخل اعجاز بیانی (نظم آهنگ)

تعریف سید قطب از نظم آهنگ :

سید قطب در این باره می گوید: چنین نوایی در نتیجه نظام مندی ویژه و هماهنگی حروف در یک کلمه به وجود آمده، و نیز بوسیله همسازی الفاظ، در یک فاصله پدید آمده است و از این جهت قرآن، هم ویژگی نثر و هم خصوصیات شعر را توأمان دارد؛ با این برتری که معانی و بیان در قرآن، آن را از قید و بندهای قافیه و وزن، بی نیاز ساخته و آزادی کامل بیان را میسر نموده و در عین حال شئون نظم و نثر، هر دو را داراست.

نمونه‌ای از آیات سوره نجم :

در هنگام تلاوت قرآن، آهنگ درونی آن کاملاً حس می شود. این آهنگ در سوره های کوتاه، با فاصله های نزدیکش و به طور کلی در تصویرها و ترسیم هایش، بیش تر نمایان است (البته در سوره های بلند نیز نظم آهنگ، لحاظ شده است). برای مثال در سوره نجم می خوانیم: «وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ * مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ * وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ *... أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ * وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ * أَلَكُمُ الذَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ * تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ ^۱» این فاصله ها تقریباً وزنی مساوی دارند، ^۲ قافیه نیز در آن رعایت شده است. ویژگی سوم، مانند وزن و قافیه ظاهر نیست، بلکه تابع یک حس درونی و درک موسیقایی است. همسازی حروف واژگان و هماهنگی کلمات در درون جمله ها یک ریتم موسیقایی پدید آورده است. در این جا نظم آهنگ به پیروی از نظام موسیقایی جمله نه کوتاه است و نه بلند و طولی میانه دارد و با تکیه بر حرف «روی» فضایی سلسله وار و داستان گونه یافته است. تمام این ویژگی ها لمس شدنی و در برخی فاصله ها نمایان تر، است.

اختلال در وزن و قافیه و آهنگ :

«أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ * وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ» اگر بگوییم: «افرایتم اللات و العزی و مناة الثالثة». قافیه از دست می رود و به آهنگ لطمه می خورد، و اگر بگوییم: «افرایتم اللات و العزی و مناة الاخری» وزن مختل می شود. همچنین در فرموده

^۱ . نجم ۱-۲۲

^۲ . اما این وزن بر اساس نظام عروض عرب نیست.

خداوند در این آیه: «الْكُمُ الذَّكْرُ وَلَهُ الْأُنْثَى * تِلْكَ إِذَا قِسْمَةٌ ضِيزَى» اگر گفته شود: «الكم الذكر و له الانثى، تلك قسمة ضيزى» آهنگ کلام که با کلمه «إذا» قوام یافته مختل می شود. البته، این سخن بدان معنا نیست که کلمه «اخرى» یا «الثالثة» علی «إذا» حشو و زاید است و فقط برای پرکردن وزن و قافیه آمده؛ بلکه، وظیفه مهم تر این کلمات، مساعدت برای رساندن معانی است، و این یکی دیگر از ویژگی های فنی قرآن است که کلمه هم برای رساندن معنا ضروری است و هم آهنگ را قوام می بخشد و هر دوی این وظایف در یک سطح انجام می گیرند و هیچ کدام بر دیگری برتری نمی یابند.

دو دلیل وجود نظم آهنگ در قرآن :

نوعی موسیقی درونی، بیان قرآن را همراهی می کند و از آن، کلماتی موزون و با حساسیتی والا می سازد که با کوچکترین تغییر دچار اختلال می شود، هر چند که این کلمات شعر نیستند و قید و بندهای شعر و همچنین قید و بندهایی که آزادی بیان را محدود کرده و از مقصود دور می سازند، را ندارند. آیت الله معرفت بر این نظر است که نظم آهنگ را در همه جای قرآن می توان دید و برای آن دو دلیل را برمی شمارد:

دلیل نخست :

کلماتی که در قرآن به کار رفته اند چنان دقیق و حساب شده می باشند که امکان ندارد کلمه ای را جایگزین کلمات قرآن کنیم؛ حتی به صورت قیاسی^۱ هم امکان ندارد و در صورت جایگزین کردن، در نظم کلام اختلال بوجود می آید. برای مثال :

۱. مثلاً در بیان ماجرای حضرت ابراهیم (ع)، چنین آمده است: «قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ * أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ * فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ * الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ * وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ * وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ * وَالَّذِي

^۱ یعنی حتی اگر تغییری که در کلمه ایجاد می کنیم مطابق باشد با قواعد ادبیات عرب .

يُمِيتُنِي ثُمَّ حَجَّيْنِ * وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ^۱ ياء متکلم در کلمات یهدین، یسقین، یشفین، و یحیین، به خاطر ایجاد قافیه با کلماتی مانند «تعبدون، الاقدمون، الدین...» حذف شده است.

۲. مثال دیگر در این آیه هاست: «وَالْفَجْرِ * وَلَيَالٍ عَشْرٍ * وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ * وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ * هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِذِي حِجْرِ»^۲ در این جا، یاء اصلی کلمه «یسر» به خاطر هماهنگی با فجر و عشر و الوتر و حجر... حذف شده است.

۳. و مثال: «يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَى شَيْءٍ نُّكْرٍ * خُشْعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنتَشِرٌ * مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ»^۳ که اگر یاء «الداع» حذف نشده بود به نظر می رسید که وزن شکسته است.

۴. مثال دیگر: «ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبْغِ فَارْتَدَّ عَلَى آثَارِهِمَا قَصَصًا»^۴ که اگر یاء «نبغی» را طبق قیاس امتداد دهیم، وزن به نوعی مختل می شود. همین اتفاق، به هنگام افزودن هاء ساکن بر یاء کلمه یا یاء متکلم، در این مثال ها خواهد افتاد: «وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ * فَأُمَّهُ هَاوِيَةٌ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَتْ * نَارٌ حَامِيَةٌ»^۵، و: «فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَاؤُمُ اقْرَؤُوا كِتَابِيَهٗ * إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَهٗ * فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ...»^۶

دلیل دوم:

یکی دیگر از دلایل وجود نظام آهنگ در قرآن، آن است که در این کتاب شریف، امکان جابجایی واژه ها نیست. اگر واژه ای را حذف یا پس و پیش کنیم، در این نظم آهنگ اختلال به وجود می آید. در این فرض، هیچ گونه تغییری در صورت قیاسی کلمه تصور نمی کنیم ولی نظام ترکیب کلمات را تغییر می دهیم. ملاحظه می کنیم که اختلالی در موسیقی نهفته در این ترکیب به وجود می آید؛ مثلاً: «ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا * إِذِ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا * قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ

۱. شعراء/۷۵-۸۲

۲. فجر / ۱-۵

۳. قمر / ۶-۸.

۴. کهف/ ۶۴

۵. قارعه / ۸-۱۱

۶. حاقه ۱۹-۲۱

الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا^۱ که اگر مثلاً- کلمه «منی» پیش از «العظم» آورده شود و عبارت بمابین شکل در بیاید: «قال ربی انی وهن منی العظم»، احساس می‌شود که وزن شکسته است. همان‌گونه که گفته شد، یک نوع موسیقی درونی در کلام قرآن وجود دارد که احساس شدنی است، اما تن به تشریح نمی‌دهد. این موسیقی در تار و پود الفاظ و در ترکیب درون جمله‌ها نهفته است و فقط با احساس ناپیدا و با قدرت متعادل ادراک می‌شود.

نقش فواصل در نظم آهنگ :

برخی از اهل فن گفته‌اند: در قرآن کریم بسیاری از فاصله‌ها بلحرف «مد» و «لین» و افزودن حرف نون ختم می‌شوند و حکمت آوردن چنین حروفی، ایجاد نوعی آهنگ است.^۲ گفته‌اند: این جنبه از اعجاز قرآن در درجه نخست به احساسات مبهمی برمی‌گردد که در قلب خواننده یا شنونده برمی‌انگیزد. به عبارتی دیگر، حروف به شکل بی‌نظیری در کنار هم قرار می‌گیرند که به هنگام شنیدن، بدون وجود دستگاه‌های موسیقی و بدون وجود قافیه یا وزن و بحر، چنین آهنگ باشکوهی از آن به گوش می‌رسد. این تنوع در سبک و لحن حروف و عبارات در معنای قرآن، بافت بی‌نظیری است که نه پیش از این بوده و نه از این پس خواهد بود. تمام این امور در کمال سادگی به وقوع پیوسته‌اند، و اثری از ساختگی بودن و یا تکلف در آن مشهود نیست. واژه‌ها بسیار روان جریان می‌یابند، وارد قلب می‌شوند و پیش از دست به کار شدن عقل و تحلیل و تفکر و تامل، آن احساس مبهمی را که آدمی را به خشوع وامی‌دارد، برمی‌انگیزد.^۳

مثال‌های قرآنی :

۱. مریم/۲-۴

۲. سیبویه نیز گفته است: عرب، چنان چه می‌خواستند به سخن خود نوعی آهنگ بدهند، حروف الف و یاء و نون را اضافه می‌کردند و با این کار صدا را کشیده می‌خواندند. اما اگر مقصودشان ایجاد آهنگ نبود، از آوردن این حروف خودداری می‌کردند. در قرآن این شیوه بسیار غنی تر و شایسته تر به کار گرفته شده است. اما چنان چه با یکی از این حروف خاتمه نیابد و مثلاً با یک حرف ساکن پایان پذیرد، یقیناً این حرف به پیروی از آوای جمله و تقطیع واژگانی آن آمده و متناسب با لحن گفتار، به شایسته ترین نحو در موضع خود نشسته است. البته، چنین حروفی اغلب در جملات کوتاه آمده و از «حروف قلقله» یا بانک‌دار و یا طنین‌انداز و یا حروف دیگری است که در نظام موسیقی، لحنی برای آن قائل شده‌اند. شیوه ایجاد انگیزه در دل آدمیان بوسیله صدا و آهنگ، امری طبیعی و غیر قابل انکار است.

۳. بیشتر مباحث این درس برگرفته از علوم قرآنی آیت الله معرفت است.

در جایی از قرآن، زکریا خطاب به خداوند می گوید: «رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا»^۱. یا هنگامی که به کلام مسیح در گهواره گوش فرامی دهیم. «إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا * وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا»^۲ یا آن جمله آهنگین که درباره فرمان برداری پیامبران سخن می گوید: «إِذَا تَتَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرَوْا سُجَّدًا وَبُكِيًّا»^۳. یا آن لحن و آهنگ وحشتناک که دیدار با خداوند را در روز قیامت توصیف می کند: «وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا»^۴ اما هنگامی که سخن از عذاب به میان می آید لحن آن دگرگون شده و واژگان، گویی سنگ های سختی اند که پرتاب می شوند. «إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ * تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُّنْقَعِرٍ»^۵. به هنگام سخن راندن از قیامت، از کلماتی ناآرام و عبارات مقطع، استفاده شده است. «وَأَنذَرَهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاطْمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ»^۶.

رابطه نظم آهنگ و تلاوت قرآن :

در دستور تلاوت قرآن، صدای خوش سفارش شده است و از قاری خواسته اند که نکات ظریف تلاوت، اعم از کشیدن صدا و یا زیر و بم آن و... را رعایت کند. در این باره روایاتی آمده است که برای نمونه به یک مورد اشاره می کنیم؛ پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: «هر چیزی زیوری دارد و زیور قرآن آواز خوش است».

زمخشری می گوید: عرب عادت داشت که در همه احوال، چه هنگام سوارکاری و چه در حال لمیدن و یا نشستن در حیاط خانه ها و... به آواز و زمزمه رُکبانی^۷ تغنی کند. پیامبر خدا وقتی مبعوث شد، خواست، تا آواز و زمزمه اعراب با قرآن

^۱. مریم/ ۴.

^۲. مریم/ ۳۰ - ۳۱.

^۳. مریم/ ۵۸.

^۴. طه/ ۱۱۱.

^۵. قمر/ ۱۹ و ۲۰.

^۶. غافر/ ۱۸.

^۷. خواندن سرود با کش و قوس دادن و زیر و بم کردن صدا.

باشد. پس به آنان فرمود: «هر کس قرآن را جایگزین رکبانی نکند و آن را زمزمه زیر لب و تغنی با آواز خوش قرار ندهد، از ما نیست».

چکیده :

۱. آهنگ برخاسته از نظم حروف، کلمات و عبارات قرآن، نظم آهنگ نامیده شده است.
۲. مساله اعجاز در نظم آهنگ آیات، ریشه در دنیاهای دانشمندان گذشته دارد، ولی آیت الله معرفت نخستین کسی است که این تعبیر را به کار برده است.
۳. آیات قرآن، بدون این که به قید و بدهای قافیه و وزن پایبند باشد، دارای نظم آهنگ است.
۴. به نظر دراز، در آیات قرآن، استواری سخن بدویان و لطافت سخن شهرنشینان با هم آمیخته شده است.
۵. به نظر آیت الله معرفت، اگر کلمه‌ای که به شکلی خاص به کار رفته را به صورت قیاسی، و مطابق قواعد عربی، تغییر داده و به شکل دیگر همان کلمه در آوریم، یا کلمه‌ای را حذف، یا جا به جا کنیم؛ وزن مختل می‌شود.
۶. بیشتر فاصله‌های قرآنی، با حرف مد و لین و افزودن حرف نون پایان می‌گیرد تا نوعی آهنگ دلنشین را ایجاد کند.
۷. اعجاز در نظم آهنگ در درجه نخست به احساسات مبهمی برمی‌گردد که در قلب خواننده یا شنونده برانگیخته می‌شود.
۸. در روایات معصومین (ع)، سفارش شده که قرآن را با آواز خوش بخوانیم.

محورهای پژوهشی:

- پژوهشی در نظم آهنگ سوره‌های مکی
- پژوهشی در نظم آهنگ سوره‌های مدنی
- مقایسه یک سوره مکی با یک سوره مدنی در نظم آهنگ
- بررسی مساله تحدی و نظم آهنگ